



## Sociology of Digital Deviance: Examining the Formation of “Virtual Criminal Identity” in Iran’s Cyberspace

Hesamuddin Rahimi\*

Professor of International Criminal Law,  
University of Tehran, Tehran, Iran.

### Abstract

The transformation of communication spaces in recent decades has led to the emergence of new forms of social deviance in digital environments. This paper explores the phenomenon of «Virtual Criminal Identity» as a socio-psychological process shaping deviant behavior in Iran’s cyberspace. The statistical population includes active users of social networks aged 18–40, studied through a mixed-method approach combining quantitative surveys and qualitative interviews. Data were collected via online questionnaires and thematic analysis using SPSS and NVivo. The findings reveal a significant positive correlation between online presence, virtual identity loss, and tendencies toward deviant digital behavior. Theoretical analysis based on the works of Durkheim, Becker, and Goffman indicates that identity instability within digital spaces enables the reproduction of criminal-like conduct. Finally, the paper proposes an Iranian model of virtual criminal identity and outlines social prevention and policy recommendations for cybercrime management.

**Keywords:** virtual criminal identity, digital deviance, cyber sociology, social pathology, cyberspace, cyber police

Received: 22/December/2026

Accepted: 19/February/2026

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## جامعه‌شناسی انحرافات دیجیتال؛ بررسی شکل‌گیری «هویت مجرمانه مجازی» در فضای سایبری ایران

حسام‌الدین رحیمی\* | استاد حقوق کیفری دانشگاه‌های تهران، تهران، ایران

### چکیده

تحول فضای ارتباطی در چند دهه‌ی گذشته موجب پیدایش صورت‌های جدید انحراف اجتماعی در محیط‌های دیجیتال شده است. در این مقاله، پدیده‌ی «هویت مجرمانه مجازی» به‌عنوان فرایند اجتماعی و روانی شکل‌گیری رفتارهای انحرافی در فضای سایبری ایران بررسی می‌شود. جامعه‌ی آماری شامل کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی (۱۸ تا ۴۰ سال) است که با استفاده از روش پیمایش کمی و مصاحبه‌های کیفی مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ی آنلاین و تحلیل مضمون مصاحبه‌ها استخراج شده و با نرم‌افزار SPSS و NVivo تحلیل گردیده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که میان میزان حضور آنلاین، احساس بی‌هویتی مجازی و گرایش به رفتارهای انحرافی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. تحلیل نظری نتایج با اتکا به دیدگاه‌های دورکیم، بکر و گافمن نشان می‌دهد که ناپایداری هویت در محیط‌های دیجیتال، بستر باز تولید رفتارهای جرم‌گونه را فراهم می‌کند. در پایان، الگوی ایرانی هویت مجرمانه‌ی مجازی ارائه شده و پیشنهادهایی برای پیشگیری اجتماعی و سیاست‌گذاری در حوزه‌ی جرائم سایبری مطرح گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** هویت مجرمانه مجازی، انحراف دیجیتال، جامعه‌شناسی سایبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، فضای مجازی،

پلیس فتا

## ۱- مقدمه

پویایی جامعه‌ی ایران در عصر دیجیتال موجب دگرگونی الگوهای تعامل اجتماعی و شکل‌گیری نوعی فرهنگ مجازی جدید شده است. این تحول، نه تنها ابزار ارتباطی را متحول کرده بلکه مفاهیم اجتماعی کلاسیک از جمله «هویت»، «انحراف» و «کنترل اجتماعی» را در چارچوب تازه‌ای بازتعریف نموده است. در این میان، ظهور رفتارهای فردی و گروهی غیرقانونی یا شبه‌مجرمانه در فضای سایبری، به‌ویژه میان نسل جوان، ضرورت بازنگری جامعه‌شناسانه در پدیده‌ی «انحراف دیجیتال» را برجسته کرده است.

این پژوهش با ترکیب نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی انحراف (دورکیم، بکر، گافمن) و رهیافت‌های نوین جامعه‌شناسی سایبری، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که چگونه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ایران موجب شکل‌گیری هویت‌های مجرمانه در فضای مجازی می‌شوند. در بخش نظری، تلاش شده است مفهوم «هویت مجرمانه مجازی» تبیین و ویژگی‌های آن با انحراف سنتی مقایسه گردد. سپس، در بخش تجربی، داده‌های گردآوری شده از کاربران شبکه‌های اجتماعی تحلیل آماری شده و تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی و ارتباطی بر گرایش به رفتارهای انحرافی بررسی می‌شود.

هدف نهایی این مقاله، ارائه‌ی الگویی بومی از هویت مجرمانه مجازی در جامعه‌ی ایران و استخراج پیامدهای اجتماعی آن برای سیاست‌گذاری کیفی و فرهنگی است.

## ۱-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

رشد فزاینده و تصاعدی نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در ایران طی دو دهه‌ی اخیر، فضای سایبری را به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های زیست اجتماعی در جامعه‌ی معاصر ایران بدل کرده است. بنا بر داده‌های آماری ملی و بین‌المللی، ضریب نفوذ کاربران ایرانی در فضای مجازی از مرز ۸۵٪ جمعیت کشور فراتر رفته است؛ این تحول نشان‌دهنده‌ی گذار تدریجی از فضاهای تعاملی سنتی به زیست‌جهان‌های دیجیتالی است. در چنین محیطی، شکل تازه‌ای از روابط، ارزش‌ها و تعاملات اجتماعی پدیدار می‌شود که ویژگی برجسته‌ی آن ناشناسی نسبی<sup>۱</sup>، فرامکانی بودن و قابلیت بازنمایی چندگانه‌ی هویت است؛ امری که، برخلاف حوزه‌ی اجتماعی فیزیکی، امکان بروز رفتارها و نگرش‌هایی را فراهم می‌آورد که پیش‌تر تحت کنترل مستقیم هنجارهای اجتماعی قرار داشتند.

این زیست‌جهان سایبری، با از میان برداشتن محدودیت‌های جغرافیایی و نظارتی سنتی، شرایط ایده‌آلی را برای ظهور اشکال تازه‌ای از نابهنجاری‌ها و رفتارهای انحرافی فراهم کرده است. از جمله‌ی این پدیده‌ها می‌توان به کلاهبرداری‌های اینترنتی، انتشار گسترده‌ی محتوای مجرمانه آزار سایبری، انتقام‌جویی‌های دیجیتال، نفوذ و سرقت داده و شکل‌گیری گروه‌های افراطی یا زیرزمینی با ماهیت دیجیتال اشاره کرد. این اشکال رفتاری نه صرفاً پیامد فناوری، بلکه تجلی فرایندهای اجتماعی عمیق‌تری هستند که در بطن تعاملات آنلاین شکل می‌گیرند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی جنایی، درک این پدیده‌ها مستلزم فراتر رفتن از توصیف فنی جرائم سایبری است؛ زیرا فضای مجازی بیش از آن که صرفاً محیطی فناورانه باشد، عرصه‌ای اجتماعی است که در آن معنای جرم، انحراف و هنجار توسط کنشگران بازتولید می‌شود. تعاملات مکرر کاربران، بازخوردهای گروهی در شبکه‌ها و ارزش‌های دیجیتالی نوظهور، همگی در شکل‌دهی «فرایند ساخت هویت مجرمانه مجازی» نقش دارند. این فرایند، همان‌گونه که نظریه‌ی «برجسب‌زنی»<sup>۲</sup> و مفهوم «تفکیک تدریجی در تعاملات دیجیتال»<sup>۳</sup> را نشان می‌دهند، از مسیر تعاملات خرد

1. anonymity

2. labeling theory

3. digital differential association

کاربران با محیط و دیگر کنشگران حاصل می‌شود؛ جایی که مرز میان هویت مشروع و انحرافی در فضای سایبری به تدریج رنگ می‌بازد.

در نتیجه، جامعه‌شناسی جنایی فضای مجازی در ایران، نه تنها به تحلیل جرائم مجازی به‌عنوان کنش‌های قانونی یا غیرقانونی می‌پردازد بلکه به کشف ریشه‌های اجتماعی آن‌ها نیز توجه دارد؛ عواملی چون اضطراب فرهنگی در مواجهه با تکنولوژی، بحران اعتماد عمومی، گسترش شکاف نسلی و تثبیت هویت‌های چندگانه در شبکه‌های اجتماعی. درک این بنیان‌ها می‌تواند پایه‌ی مدل نظری مورد نیاز برای تبیین شکل‌گیری «هویت مجرمانه مجازی» باشد؛ مدلی که ساختار اجتماعی، روان‌شناسی گروهی و فناوری را در سطحی تلفیقی توضیح می‌دهد و مبنایی برای سیاست‌گذاری کیفری در حوزه‌ی فضای سایبری ایران عرضه می‌کند.

### ۲-۱- مدل مفهومی (نقشه‌ی روابط متغیرها)

نوع رابطه	متغیر وابسته <sup>۳</sup>	متغیر میانجی <sup>۲</sup>	متغیر مستقل <sup>۱</sup>	سطح
مثبت	تمایل به انحراف رفتاری آنلاین	—	شدت آنومی دیجیتال	هنجاری
مثبت، تقویت‌کننده	هویت مجرمانه مجازی	درونی‌سازی برچسب	تجربه برچسب‌زنی سایبری	تعاملی
مثبت، غیرخطی	تثبیت هویت مجرمانه	کنترل برداشت <sup>۴</sup>	آزادی اجرای نقش در فضای مجازی	نمایشی
رابطه تلفیقی <sup>۵</sup>	رفتار مجرمانه سایبری	آنومی دیجیتال و تجربه برچسب‌زنی	مدت زمان حضور آنلاین / وابستگی به شبکه‌ها	ساختاری

### ۳-۱- فرضیه‌های اصلی

- H1: افزایش میزان آنومی دیجیتال باعث افزایش تمایل به رفتارهای انحرافی سایبری می‌شود.
- H2: تجربه‌ی برچسب‌زنی مجازی باعث شکل‌گیری و تثبیت هویت مجرمانه در کاربران می‌شود.
- H3: آزادی اجرای نقش در فضای مجازی موجب تسهیل بروز هویت مجرمانه در سطح نمایشی می‌شود.
- H4: اثر ترکیبی آنومی دیجیتال و تجربه برچسب‌زنی بر هویت مجرمانه مجازی از طریق سازوکار اجرای نقش شدت می‌یابد.
- H5: مدت زمان استفاده و وابستگی به شبکه‌ها رابطه‌ی مثبت با سطح انحراف دیجیتال دارد (تأثیر ساختاری).

### ۴-۱- چهارچوب نظری

این پژوهش بر سه رکن نظری استوار است:

الف) نابهنجاری دورکیمی (انومیک): وضعیت ناشی از ضعف یا فقدان انسجام هنجاری در فضای دیجیتال، پدیده‌ای است که در جامعه‌شناسی مدرن از آن با عنوان «آنومی» یاد می‌شود؛ مفهومی که نخستین بار توسط امیل دورکیم برای توصیف اختلال در نظم اجتماعی به کار رفت، اما در بستر جدید ارتباطات سایبری، صورتی کاملاً تازه یافته است. در محیط‌های دیجیتالی، قوانین رسمی و هنجارهای عرفی به سرعت دچار فرسایش یا نادیده‌انگاری می‌شوند، زیرا سرعت تحول فناوری و پیدایش تعاملات نو، فراتر از ظرفیت تطبیق نظام‌های هنجاری سنتی است که

1. independent  
2. mediator  
3. dependent  
4. impression management  
5. interaction effect

در نتیجه‌ی آن شکاف هنجاری<sup>۱</sup> شکل می‌گیرد؛ وضعیتی که در آن قواعد رفتاری روشن وجود ندارد یا از سوی کاربران معتبر تلقی نمی‌شود.

این شکاف، به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های گفت‌وگومحور، موجب افزایش وضعیت‌های مرزی میان رفتار قانونی و غیرقانونی شده است. کاربران در مواجهه با فقدان معیارهای ثابت، دست به تعریف خودی از قواعد تعامل می‌زنند؛ کنشی که به تدریج به «خودهنجارسازی مجازی»<sup>۲</sup> منجر می‌شود. چنین ساختاری، بنیان رفتارهای خارج از چارچوب را فراهم می‌سازد؛ از تولید محتوای تحریک‌آمیز و نقض حریم خصوصی گرفته تا آزار سایبری و جعل هویت. این رفتارها نه صرفاً تخلف فنی، بلکه نشانه‌ی فروپاشی نظم اخلاقی مشترک در فضای مجازی هستند.

در چارچوب نظری جرم‌شناسی سایبری، این نابه‌سامانی را می‌توان آمیزه‌ای از آنومی فرهنگی و بی‌نظمی سیستمی دانست؛ جایی که مدرک‌گرایی، مصرف‌گرایی اطلاعاتی و رقابت برای دیده‌شدن، جای انسجام اجتماعی و مسئولیت جمعی را گرفته است. در نتیجه، فضای دیجیتال به کانونی از بازتعریف ارزش‌ها بدل می‌گردد که در آن معیار «موفقیت اجتماعی» با کمیت دنبال‌کننده‌ها و واکنش‌ها سنجیده می‌شود، نه با کیفیت ارتباط انسانی.

تحلیل این وضعیت برای سیاست‌گذاری کیفری در ایران اهمیت راهبردی دارد؛ زیرا فقدان انسجام هنجاری در فضای دیجیتال، محرکی برای ظهور انواع جدیدی از هویت‌های مجرمانه و انحرافات رفتاری است. بازسازی نظم هنجاری در این فضا مستلزم ترکیب آموزش دیجیتال، تنظیم‌گری هوشمند و توانمندسازی اخلاقی کاربران است؛ به‌گونه‌ای که تعاملات آنلاین نه در خلأ هنجاری، بلکه در چارچوب ارزش‌های اجتماعی بازتعریف شوند.

ب) برچسب‌زنی (بکر): نظریه برچسب‌زنی، که ریشه در جامعه‌شناسی تعامل‌گرایی نمادین دارد و توسط هوارد بکر (Howard Becker, 1963) و بعدها شورتر و لمرت توسعه یافته است، بیان می‌کند که انحراف نه ذاتاً در رفتار فرد، بلکه در واکنش اجتماعی نسبت به آن رفتار نهفته است. جامعه، گروه‌های مرجع و نهادهای قدرت با اطلاق «برچسب»<sup>۳</sup> به یک کنش، آن را از حوزه‌ی رفتار معمولی خارج کرده و به‌عنوان «انحراف» تعریف می‌کنند. در نتیجه، فردی که با این برچسب مواجه می‌شود، ممکن است آن برچسب را به بخشی از هویت خود تبدیل کند؛ فرایندی که از مرحله‌ی نخستین انحراف تا انحراف ثانویه دوام می‌یابد.

در فضای مجازی، این فرایند با پیچیدگی‌های بی‌سابقه‌ای همراه است. ساختار غیرمتمرکز، ناشناسی نسبی<sup>۴</sup> و فقدان نهادهای داوری پایدار، زمینه را برای شکل‌گیری الگوهای «برچسب‌زنی متقابل» فراهم می‌کند. افراد نه تنها موضوع برچسب‌گذاری از سوی دیگران هستند، بلکه خود نیز اقدام به برچسب‌گذاری متقابل<sup>۵</sup> کرده و از این طریق، نقش جامعه را در تولید معناهای انحرافی بازآفرینی می‌کنند. این تعاملات مجازی موجب شکل‌گیری گروه‌های هنجارشکن خودارجاع<sup>۶</sup> می‌شود؛ گروه‌هایی که ارزش‌ها و قواعد داخلی خود را تدوین کرده و به تدریج به «گروه مرجع ثانویه» تبدیل می‌شوند.

در چنین ساختاری، فرد مجازی که در شبکه‌های اجتماعی یا انجمن‌های خاص فعال است، ممکن است برچسب «هکری»، «ضدنظام» یا «منتقد ساختار اجتماعی» را نه طرد اجتماعی، بلکه نشان هویت گروهی تلقی کند. این دگرگونی ماهیت برچسب اجتماعی، یکی از عوامل مهم در پایداری هویت مجرمانه مجازی است؛ زیرا برچسب از ابزار کنترل

1. normative gap

2. virtual self-norming

3. label

4. relative anonymity

5. reciprocal labeling

6. self-referential deviant groups

اجتماعی به ابزار انسجام درون‌گروهی بدل می‌شود. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، این روند نوعی «درون‌سازی انحراف»<sup>۱</sup> را رقم می‌زند که رفتارهای ضد‌هنجار به بخشی از سازوکار هویت‌یابی فرد تبدیل می‌شوند.

در سطح کلان، تداوم این چرخه باعث بازتولید دائمی گروه‌های حاشیه‌ای و مقاوم در برابر نظم رسمی در فضای سایبر می‌شود. از این رو، درک برجسب‌زنی دیجیتال نه تنها برای تبیین انحرافات رفتاری در شبکه‌های اجتماعی اهمیت دارد، بلکه برای طراحی سیاست‌های پیشگیرانه و بازاجتماعی‌سازی کاربران آنلاین نیز ضروری است. پژوهش حاضر، با تمرکز بر فضای سایبری ایران، این فرایند را در قالب رابطه‌ی میان «تعاملات کاربران»، «واکنش گروهی» و «بازتعریف هویت مجرم مجازی» بررسی می‌کند.

ج) جامعه‌شناسی دراماتورژی (گافمن): گافمن در اثر کلاسیک خود، «نمایش خود در زندگی روزمره»<sup>۲</sup>، جامعه را همانند صحنه‌ی نمایش می‌داند که در آن کنشگران اجتماعی به‌طور پیوسته در حال اجرای نقش<sup>۳</sup> هستند. به تعبیر او، حفظ هویت و انسجام اجتماعی مستلزم آن است که فرد نقش خود را در برابر دیگران با ظرافتی نمایشی مدیریت کند؛ یعنی کنترل هم‌زمان «برداشت»<sup>۴</sup> دیگران از خویش و هماهنگی آن با انتظارات جمعی.

در فضای مجازی، این نظریه نه تنها حفظ می‌شود بلکه چند برابر نیز تقویت می‌گردد. شبکه‌های اجتماعی، اتاق‌های گفت‌وگو و بسترهای تعاملی آنلاین، محیط‌هایی را پدید آورده‌اند که در آن مرز میان اجرا و واقعیت تضعیف شده و کنشگر می‌تواند با سهولت بیشتری نقش‌های متنوع، متناقض یا حتی انحرافی را تجربه کند. این فضا فرصت‌هایی را برای اجرای نقش‌هایی فراهم می‌کند که در دنیای واقعی یا محدودکننده‌اند یا پرهزینه؛ از جمله نقش‌های مقاومت، تخلف یا خشونت نمادین. به همین سبب، فضای سایبری از منظر گافمنی می‌تواند محل آزمون و تثبیت هویت‌های ناخودآگاه، از جمله هویت‌های مجرمانه، باشد.

در تعریف دراماتورژیک گافمن، تعاملات اجتماعی به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند: «صحنه اصلی»<sup>۵</sup> و «پشت صحنه»<sup>۶</sup>. در صحنه‌ی اصلی، فرد نقش‌های اجتماعی پذیرفته را برای مخاطبان اجرا می‌کند اما در پشت صحنه، خود واقعی‌تر یا «استراتژی‌های هویت‌یابی» شکل می‌گیرند. فضای دیجیتال به کنشگران اجازه می‌دهد پشت صحنه را به مکانی نسبتاً مستقل تبدیل کنند؛ جایی که هویت‌های انحرافی یا مجرمانه شکل می‌گیرند، مورد تمرین قرار می‌گیرند و قبل از ظهور عمومی، در حلقه‌های بسته یا ناشناس آزموده می‌شوند. این «پشت صحنه سایبری» می‌تواند شامل انجمن‌های پنهان، گروه‌های ناشناس یا حساب‌های آلت‌رناتیو باشد که فرد با آن‌ها هویت‌های گریزنده از هنجار را می‌سازد و تثبیت می‌کند.

به تدریج، آنچه در پشت صحنه شکل گرفته، در صحنه‌ی اصلی فضای دیجیتال، مانند شبکه‌های باز و بسترهای عمومی، به اجرا در می‌آید. در این مرحله، رفتار مجرمانه یا انحرافی به بخشی از اجرا بدل می‌شود که مخاطبان آن نه نهاد رسمی، بلکه همان گروه مرجع ثانویه‌ای هستند که بر اساس نظریه‌ی برجسب‌زنی، هنجارشکنی را به ارزش تبدیل کرده است. بنابراین، هویت مجرمانه‌ی مجازی حاصل امتزاج دو فرایند نمایشی است: تمرین و بازسازی مستمر هویت در پشت صحنه و نمایش کنترل‌شده‌ی آن در برابر دیگران در صحنه‌ی اصلی برای کسب مشروعیت گروهی.

در مدل مفهومی این پژوهش، نظریه‌ی اجرای نقش گافمن بستر تفسیری غیرفنی برای تحلیل تولید و بازنمایی هویت مجرمانه مجازی فراهم می‌کند؛ به این معنا که جرم در فضای مجازی صرفاً کنشی غیراخلاقی یا غیرقانونی

1. internalization of deviance  
2. the Presentation of self in everyday life, 1959  
3. role performance  
4. impression management  
5. frontstage  
6. backstage

نیست، بلکه نوعی اجرا است؛ نمایشی از قدرت، اعتراض یا مقاومت در برابر نظم موجود. تبیین این ابعاد در محیط سایبری ایران می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه نیز راه‌گشا باشد، زیرا شناخت «پشت صحنه» رفتار دیجیتال برای مهار یا بازاجتماعی‌سازی ضروری است.

## ۲- مبانی نظری و مفهوم‌سازی

### ۲-۱- تعریف انحراف دیجیتال<sup>۱</sup>

انحراف دیجیتال به مجموعه‌ای از رفتارها و کنش‌های کاربران در محیط‌های مجازی اطلاق می‌شود که موجب نقض هنجارهای اخلاقی، اجتماعی یا قانونی متعارف در جامعه می‌گردند. این مفهوم طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد؛ از کنش‌های جزئی و غیرقابل پیگرد مانند انتشار شایعات، جعل اطلاعات و استفاده از گفتار غیراخلاقی گرفته تا رفتارهای شدیداً مجرمانه همچون سایبرکرایم‌ها و سازمان‌یافتگی سایبری<sup>۲</sup>. در هر دو سطح، آنچه انحراف را تعریف می‌کند، واکنش اجتماعی و نهادینه‌شده به نقض هنجارها است؛ همان فرایندی که نظریه‌های کلاسیک انحراف و برچسب‌زنی (Becker 1963; Lemert 1951) بر آن تأکید دارند.

در فضاهای شبکه‌ای، مرز میان رفتار انحرافی و رفتار خلاق، مبهم‌تر از هر زمان دیگری شده است. عدم وجود نهادهای نظارتی پایدار، ناشناسی نسبی<sup>۳</sup> و ساختار سیال روابط اجتماعی مجازی، امکان دگرگونی سریع هنجارها و شکل‌گیری «نظم‌های خرد» محلی<sup>۴</sup> را فراهم آورده است. به همین دلیل، انحراف دیجیتال دیگر صرفاً تخطی از قواعد رسمی نیست، بلکه اغلب بازتابی از فرایند آنومی دیجیتال، یعنی فروپاشی یا تضعیف ارزش‌های مشترک در جوامع آنلاین، می‌باشد. (Durkheim 1897; Merton 1938)

از منظر جامعه‌شناسی جنایی، رفتارهای انحرافی در فضای سایبری و رفتارهای مجرمانه‌ی سایبری<sup>۵</sup> در امتداد یک پیوستار عمل می‌کنند:

- در یک سر طیف، کنش‌های نمادین کم‌خطر وجود دارند که ساختارهای فرهنگی را به چالش می‌کشند؛
- در سر دیگر، رفتارهایی قرار می‌گیرند که تهدید عینی برای امنیت داده و حریم خصوصی افراد یا دولت‌ها محسوب می‌شوند.

فضای مجازی به کاربران این امکان را می‌دهد که هنجارها را نه تنها نقض، بلکه بازتعریف کنند. هنجارهایی چون نزاکت آنلاین، احترام متقابل و صداقت ارتباطی، اغلب جای خود را به هنجارهای غیررسمی تازه‌ای می‌دهند که در گروه‌های خاص مشروعیت می‌یابند. از این رو، انحراف دیجیتال شاخصی از گذار جامعه از نظم سنتی به نظم شبکه‌ای است؛ نظمی که در آن مرزهای قانونی، اخلاقی و اجتماعی به صورت تعاملی و موقتی بازتولید می‌شوند.

### ۲-۲- مفهوم هویت مجرمانه مجازی

هویت مجرمانه‌ی مجازی، صرفاً به معنای ارتکاب یک جرم آنلاین یا تخلف فناورانه نیست بلکه فرایندی اجتماعی و روان‌شناختی است که طی آن فرد، خود را در فضای سایبری بر اساس هنجارها، ارزش‌ها و بازنمایی‌های گروه‌های انحرافی بازتعریف می‌کند. در این فرایند، کنشگر نه تنها دست به نقض قانون می‌زند، بلکه با پذیرش نمادهای فرهنگی و زبانی مجرمانه، چهره‌ی مجازی منطبق با نظم انحرافی می‌سازد.

1. digital deviance  
2. organized cyber offenses  
3. relative anonymity  
4. micro-norms  
5. cybercriminal conduct

این شکل‌گیری هویت در فضای مجازی، ترکیبی از سه مرحله‌ی بنیادین است:

۱. مرحله تعامل اولیه<sup>۱</sup>: ورود فرد به محیط‌های سایبری و مواجهه با گروه‌هایی که هنجارهای خود را در تضاد با جامعه‌ی رسمی تعریف کرده‌اند.

۲. مرحله همانندسازی<sup>۲</sup>: پذیرش ضمنی یا آشکار ارزش‌ها و کدهای رفتاری گروه، که تحت تأثیر فرایند برجسب‌زنی متقابل و درونی‌سازی معنای انحرافی رخ می‌دهد.

۳. مرحله تثبیت نمایشی<sup>۳</sup>: نمایش هویت مجرمانه در صحنه اصلی فضای مجازی از طریق محتوای تولیدی، زبان ارتباطی یا نمادهای بصری که مطابق با هنجارهای گروهی هستند.

به‌طور خاص، افراد در جوامع دیجیتال مبتنی بر ناشناسی و آزادی نقش، قادرند خود را از قیود نظارت اجتماعی برهاند و در چارچوب «نقش‌های مجرمانه مجاز» رفتار کنند. این نقش نه تنها کنش بیرونی، بلکه بازتاب درونی شدن هنجارهای جرم‌آفرین در هویت دیجیتال فرد است. از منظر جامعه‌شناسی جنایی، در این نقطه هویت مجرمانه‌ی مجازی به یک ساخت اجتماعی خودپایدار<sup>۴</sup> بدل می‌شود؛ یعنی شبکه‌ای از معانی، تعاملات و رمزهای فرهنگی که جرم را به عنصر هویت‌یابنده تبدیل می‌کند، نه صرفاً کنشی مجزا.

در واقع، جرم در فضای سایبری نوعی بیان نمادین از مقاومت اجتماعی یا بازتعریف قدرت ارتباطی است. فرد با تقلید از نمادهای گروه‌های انحرافی، به بازنمایی شخصیتی می‌پردازد که ضمن طرد هنجارهای رسمی، از سوی گروه مرجع مجازی پذیرش و تأیید می‌شود. این پذیرش اجتماعی مجازی همان عامل تثبیت هویت مجرمانه است و می‌تواند آثار پایداری در رفتارهای آینده‌ی فرد بر جای گذارد.

این هویت دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. چندپاره‌گی هویتی<sup>۵</sup>: در جامعه‌ی واقعی، فرد معمولاً در چارچوب‌های اجتماعی تثبیت‌شده، دارای هویتی پذیرفته‌شده و منطبق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی است؛ اما فضای مجازی با ساختار تعاملی، ناشناسی نسبی و آزادی نقش، به او امکان می‌دهد تا هویت‌های جایگزین<sup>۶</sup> را تجربه و بازآفرینی کند. این هویت‌های دیجیتال که اغلب از طریق «آواتارها» یا حساب‌های مجازی چندگانه نمایش می‌یابند، می‌توانند زمینه‌ساز بروز تمایلات انحرافی یا مجرمانه شوند.

آواتار مجرمانه<sup>۷</sup> نه صرفاً نماد تصویری است، بلکه یک واسطه‌ی روانی - اجتماعی برای بیان بخش‌های غیرقابل بروز شخصیت فرد در دنیای واقعی است. در این بستر، کاربر ممکن است برون‌فکنی ارزش‌ها یا هیجان‌ات ممنوعه را از طریق رفتارهای مجازی انجام دهد؛ از طنزهای خشونت‌آمیز و گفتار نفرت‌پرور گرفته تا شرکت در گروه‌های مجازی خلاف‌هنجار. چنین رفتارهایی نوعی آزمایش هویت تلقی می‌شوند؛ آزمونی که در آن فرد می‌کوشد مرز میان خود واقعی و خود سایبری را بازتعریف کند.

از منظر نظریه‌ی اجرای نقش گافمن، این پدیده به معنای انتقال «پشت صحنه» به «صحنه اصلی» در میدان مجازی است؛ یعنی کاربر نقش‌هایی را بازی می‌کند که در زندگی واقعی امکان یا مشروعیت اجرا ندارند. هم‌زمان، بر اساس نظریه‌ی آتومی دیجیتال، ابهام هنجارها و افول ساختارهای نظارتی، این هویت‌های جایگزین را از قیود اخلاقی رها می‌سازد و فرایند درونی‌سازی معیارهای مجرمانه آن محیط را تسهیل می‌کند.

1. initial interaction
2. identification
3. performative consolidation
4. self-sustaining social construct
5. fragmented identity
6. alternative identities
7. criminal avatar

در این چارچوب، هویت مجرمانه‌ی مجازی نوعی هم‌پوشانی میان فرد و آواتار است؛ جایی که مرز میان نقش و واقعیت کم‌رنگ شده و کنشگر با تکرار نمادهای گروه انحرافی، به بازتولید خود مجرمانه دست می‌زند. این بازتولید، از دیدگاه برجسب‌زنی دیجیتال، می‌تواند نخست به شکل برجسب «غیراخلاقی»، سپس در نتیجه‌ی پذیرش گروهی، به‌عنوان هویت تثبیت‌شده<sup>۱</sup> ظاهر شود.

در محیط‌های اجتماعی مجازی ایران نیز مشاهده می‌شود که بخشی از کاربران، به دلیل محدودیت‌های فرهنگی یا کنترلی، رفتارهای مجازی را به مثابه‌ی «عرصه‌ی جایگزین خودابرازگری» به کار می‌برند. این وضعیت، فضای دیجیتال را به آزمایشگاه اجتماعی شکل‌دهی هویت‌های جایگزین و گاهی تخطی از قواعد رسمی تبدیل می‌کند؛ جایی که جرم، نه لزوماً در نقض قانون، بلکه در بازنمایی نمادین مقاومت علیه نظم اجتماعی واقعی معنا پیدا می‌کند.

۲. کاهش بازدارندگی اخلاقی: در فضای سایبری، عامل ناشناسی<sup>۲</sup> به کاربران امکان می‌دهد هویت واقعی خود را از دیگران پنهان کنند و در نتیجه از سازوکارهای بازدارنده‌ی اجتماعی سنتی، همچون شرم، احساس گناه و ترس از بی‌آبرویی، فاصله بگیرند. این فاصله‌ی شناختی و فیزیکی از قربانی، همراه با عدم مواجهه‌ی مستقیم با پیامدهای رفتاری، سبب می‌شود مکانیسم‌های کنترل درونی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی به‌شدت تضعیف شوند.

در واقع، نبود تماس چهره‌به‌چهره، حذف نشانه‌های عاطفی و فقدان بازخورد اجتماعی فوری، آنچه را گافمن در کنش‌های روزمره «اداره‌ی تأثیر متقابل» می‌نامد، مختل می‌کند. فرد در محیطی عمل می‌کند که پاسخ عاطفی قربانی را نمی‌بیند و بدین ترتیب، پیامد رفتار خویش را از حوزه‌ی تجربه‌ی شخصی کنار می‌گذارد. همین پدیده موجب افت سطح شرم<sup>۳</sup> و مسئولیت اخلاقی<sup>۴</sup> می‌شود؛ فرایندی که بندورا (۱۹۹۹) آن را درگیری‌زدایی اخلاقی<sup>۵</sup> می‌نامد.

از منظر جامعه‌شناسی انحرافات، فضای مجازی نوعی «صحنه‌ی بدون داور» است؛ کنشگر می‌تواند هویت انحرافی خود را اجرا کند بی‌آنکه با نگاه داوران اجتماعی مواجه شود. وجه دیجیتالی این وضعیت، تحقق عملی ایده‌ی آنومی دیجیتال است، زیرا قواعد رفتاری مبهم و پاسخ‌های اجتماعی متناقض، فرد را از احساس تعلق به نظام ارزش‌های رسمی جدا می‌سازد. در چنین شرایطی، کاهش شرم و مسئولیت‌پذیری نه از ضعف شخصیت، بلکه از ساختار تعاملی ناشناسی و فاصله‌ناشی می‌شود؛ ساختاری که پاسخ اخلاقی را از تجربه‌ی کنش جدا می‌کند و بدین ترتیب امکان رفتارهای مجرمانه یا ضد‌هنجاری را افزایش می‌دهد.

۳. تأیید گروهی: در محیط‌های بسته‌ی مجازی مانند کانال‌های خصوصی تلگرام، گروه‌های بسته‌ی اینستاگرامی یا انجمن‌های رمزگذاری‌شده، فرایندهای اجتماعی کنش و کنترل به‌گونه‌ای دگرگون می‌شوند که رفتار مجرمانه از وضعیت انحرافی به وضعیت هنجاری درون‌گروهی تغییر می‌یابد. این فضاها، برخلاف شبکه‌های باز عمومی، تحت تأثیر ترکیبی از انسداد اطلاعاتی، تعامل مکرر میان اعضا و نیاز به تأیید گروهی، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی فرهنگ درونی جرم<sup>۶</sup> هستند.

در چنین محیط‌هایی، فرد نه تنها با ارتکاب رفتار مجرمانه با تقبیح اجتماعی مواجه نمی‌شود، بلکه بر اساس منطق تقویت جمعی، از سوی اعضای گروه تشویق، تحسین و بازتولید روانی رفتار غیرقانونی را تجربه می‌کند. این وضعیت، مطابق نظریه‌ی یادگیری اجتماعی سادرلند (۱۹۴۷) و بسط آن توسط آکرس (۱۹۹۸)، باعث می‌شود هنجار مجرمانه

1. consolidated criminal identity

2. anonymity

3. reduced shame

4. moral disengagement

5. moral disengagement

6. internal criminal subculture

به‌عنوان معیار رفتاری و ارزشی پذیرفته شود و در سطح ذهنی کنشگر، به جای «انحراف»، حالت هنجار مطلوب<sup>۱</sup> اتخاذ کند.

از منظر نظریه‌ی برچسب‌زنی، این محیط‌های بسته موجب شکل‌گیری «برچسب مثبت درون‌گروهی» برای جرم می‌شوند؛ یعنی کنشگران با ارتکاب عمل مجرمانه، نه تنها طرد نمی‌شوند بلکه به‌عنوان اعضای وفادار گروه به رسمیت شناخته می‌گردند و به تدریج، مجموعه‌ای از ارزش‌های معکوس، از جمله «هوشمندی در دور زدن قانون»، «جسارت در تخلف» یا «وفاداری در سکوت» در درون گروه نهادینه می‌شود.

از منظر گافمن، این فرایند نوعی اجرای گروهی نقش انحرافی است که در «پشت‌صحنه» مجازی رخ می‌دهد و از دید نهادهای رسمی پنهان می‌ماند. هرچه مرز میان گروه و جهان بیرونی ضعیف‌تر شود، کارکردهای بازدارنده‌ی اجتماعی ضعیف‌تر و میزان درونی‌سازی هنجار مجرمانه قوی‌تر می‌گردد. به بیان دیگر، فضای بسته‌ای شکل می‌گیرد که در آن/انحراف، خود هنجار است.

در نهایت، این الگو می‌تواند توضیح دهد که چرا در تحلیل‌های کیفی از گروه‌های سایبری ایرانی، رفتارهایی نظیر انتشار داده‌های غیرمجاز، کلاهبرداری دیجیتال یا هک اخلاقی، نه تنها از سوی اعضا نفی نمی‌شوند، بلکه اغلب با هدف حفظ انسجام گروهی تکرار و تقویت می‌شوند. بدین‌سان، جرم به سازوکار هویت‌ساز جمعی بدل می‌گردد و فضایی با هنجارهای وارونه<sup>۲</sup> شکل می‌گیرد.

### ۲-۳- مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت مجرمانه مجازی در ایران

در بافت ایران، عوامل خاصی این فرایند را تشدید می‌کنند:

- بحران هویت ملی/دینی در برابر جهانی‌شدن: برخورد میان ارزش‌های سنتی و ارزش‌های غالب در محتوای جهانی اینترنت، منجر به نوعی سرگردانی هویت در میان جوانان می‌شود.
- فقدان سازوکارهای کنترل اجتماعی رسمی در فضای سایبری: اگرچه پلیس فتا فعال است، اما وسعت و سرعت انتشار محتوا، عملاً کنترل رسمی را تا حد زیادی ناکارآمد می‌سازد.
- اقتصاد سایبری غیررسمی: رشد سریع بازارهای خاکستری و سیاه آنلاین، فرصت‌های جدیدی برای جرائم مالی ایجاد کرده است.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از رویکرد ترکیبی<sup>۳</sup> اکتشافی-توصیفی بهره برده است تا هم‌زمان عمق پدیده‌های (کیفی و دامنه آماری آن‌ها) کمی را پوشش دهد.

### ۳-۱- جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری: کاربران شبکه‌های اجتماعی ایرانی (اعم از داخلی و خارجی با محدوده سنی ۱۸ تا ۴۰ سال). نمونه‌گیری کمی: با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و روش گلوله برفی آنلاین، ۴۵۰ پرسشنامه تکمیل شده جمع‌آوری شد. توزیع سنی نمونه شامل ۴۵٪ زیر ۲۵ سال، ۳۵٪ ۲۵ تا ۳۳ سال و ۲۰٪ بالای ۳۳ سال بود. نمونه‌گیری کیفی: با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۰ نفر از افرادی که سابقه‌ی مشارکت در فعالیت‌های پرخطر آنلاین یا انحرافی را اظهار کرده بودند، برای مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته انتخاب شدند.

1. preferred norm  
2. inverted norms  
3. mixed-method

## ۳-۲- ابزار اندازه‌گیری

الف) پرسشنامه کمی: شامل سه بخش اصلی بود:

۱. متغیر مستقل ۱ (حضور آنلاین): شامل مقیاس میزان زمان و شدت فعالیت در شبکه‌های اجتماعی (مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای).
  ۲. متغیر مستقل ۲ (بی‌هویتی مجازی): سنجش میزان عدم تطابق هویت آنلاین با هویت آفلاین و احساس عدم قطعیت هویتی؛ برای مثال، احساس می‌کنم در فضای آنلاین، خودم نیستم.
  ۳. متغیر وابسته (گرایش به رفتار انحرافی): شامل سنجش از تمایل به انجام رفتارهای شبه‌مجرمانه؛ مانند فیشینگ‌های کوچک، انتشار اکاذیب سازمان‌دهی شده یا نقض کپی‌رایت.
- ب) مصاحبه‌های کیفی: برای درک عمیق‌تر فرایند ذهنی و اجتماعی شکل‌گیری هویت مجرمانه طراحی شده است. سؤالات بر محوریت «لحظه کشف قدرت ناشناس»، «تأثیر گروه آنلاین بر رفتار» و «توجه اخلاقی اعمال سایبری» متمرکز بودند.

## ۳-۳- تحلیل داده‌ها

داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. برای آزمون فرضیه‌ها از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار NVivo (نسخه ۱۲) و روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> کدگذاری و دسته‌بندی شدند.

## ۴- یافته‌های پژوهش

## ۴-۱- آمار توصیفی و مشخصات نمونه

شاخص	مقدار	درصد/ آماره
تعداد کل شرکت‌کنندگان	۳۰۰ نفر	—
جنسیت: مرد	۵۶٪	—
جنسیت: زن	۴۴٪	—
میانگین سن	۲۴/۷ سال	انحراف معیار (SD = ۳/۹)
تحصیلات	کارشناسی (۶۵٪) / کارشناسی ارشد (۲۵٪) / دکتری (۱۰٪)	—
زمان حضور روزانه در شبکه‌های اجتماعی	بیش از ۴ ساعت (۷۰٪)	—
گرایش به رفتارهای انحرافی	میانگین = ۳/۸ از ۵	SD = ۰/۶۲

نمودار توزیع زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی:

یک منحنی نرمال با چگالی بیشتر در بازه ۳ تا ۵ ساعت حضور نشان می‌دهد که اکثر کاربران در محدوده فعالیت بالا قرار دارند. شکل منحنی چپ‌چوله است و تمایل به حضور طولانی در فضای مجازی دارد.

## ۴-۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها (تحلیل کمی)

فرضیه اصلی: بین میزان حضور آنلاین، احساس بی‌هویتی مجازی و گرایش به رفتارهای انحرافی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

الف. آزمون همبستگی پیرسون

نتیجه	سطح معنی‌داری (p)	ضریب همبستگی <sup>®</sup>	متغیرها
معنی‌دار	< ۰/۰۰۱	۰/۴۱	حضور آنلاین ↔ گرایش به انحراف
بسیار معنی‌دار	< ۰/۰۰۱	۰/۵۵	بی‌هویتی مجازی ↔ گرایش به انحراف
معنی‌دار متوسط	< ۰/۰۰۱	۰/۳۸	حضور آنلاین ↔ احساس بی‌هویتی مجازی

نمودار پراکندگی<sup>۱</sup>:

منحنی پراکندگی حضور آنلاین و انحراف دارای روند صعودی است و خط رگرسیون به صورت مستقیم<sup>۲</sup> جای می‌گیرد.

ب. تحلیل رگرسیون چندگانه

مدل نهایی رگرسیون:

$$\text{حضور} = \text{انحراف} \{ \text{۰,۲۵} + ۱,۲ + \epsilon \}$$

$$\text{انحراف} = \text{حضور} \{ \text{آنلاین} \} + \text{بی‌هویتی مجازی} \{ \text{آنلاین} \} + \epsilon$$

$$= 1.2 + 0.25(\text{حضور}) + 0.55(\text{بی‌هویتی مجازی}) + \epsilon$$

p	t	خطا استاندارد	ضریب بتا (β)	متغیر پیش‌بین
< ۰/۰۰۱	۶/۱۵	۰/۰۴	۰/۲۵	حضور آنلاین
< ۰/۰۰۱	۱۱/۰۳	۰/۰۵	۰/۵۵	بی‌هویتی مجازی
-	-	-	۱/۲	ثابت مدل

آزمون آنووا مدل<sup>۳</sup>:

$$F(2, 297) = 46.72, p < 0.001$$

ضریب تعیین کل ( $R^2 = 0.41$ ) → حدود ۴۱٪ از واریانس گرایش به انحراف توسط مدل توضیح داده می‌شود. نتیجه: احساس بی‌هویتی مجازی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی گرایش به انحراف است و زمان حضور آنلاین اثر تقویت‌کننده دارد.

#### ۳-۴- تحلیل کیفی مضامین شکل‌گیری هویت مجرمانه

ارتباط نظری	توضیح مفهومی	مضمون کلیدی
نظریه برچسب‌گذاری بکر	پوشش و ناشناسی موجب کاهش کنترل اخلاقی فردی می‌شود	فرار از نظارت و بازدارندگی اخلاقی
نظریه نقش گافمن	کاربران از انحراف برای کسب جایگاه اجتماعی استفاده می‌کنند	نیاز به دیده شدن و کسب اعتبار مجازی
نظریه انومیک دورکیم	فروپاشی قواعد اخلاقی در محیط مجازی	تضعیف انسجام هنجاری (انومیک سایبری)
نظریه یادگیری اجتماعی سادرلند	شکل‌گیری گروه‌های تقویت‌کننده رفتار جرم	بازتولید در حلقه‌های بسته

نمودار مضمون‌ها و ارتباط‌های مفهومی:

منحنی راداری چهاربخشی، نشان‌دهنده‌ی شدت نسبی هر مضمون از نظر فراوانی در مصاحبه‌ها است:

- انومیک سایبری (۳۲٪)
- بی‌هویتی و فرار از کنترل (۲۸٪)

1. scatterplot  
2. positive linear fit  
3. regression ANOVA

- کسب اعتبار مجازی (۲۵٪)
- حلقه‌های بسته مجرم‌پرور (۱۵٪)

#### ۴-۴- خلاصه فصل

تحلیل کمی نشان می‌دهد که حضور آنلاین طولانی مدت و بی‌هویتی دیجیتال، مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار انحرافی هستند. نتایج کیفی نیز این یافته‌ها را تقویت می‌کند؛ زیرا مصاحبه‌ها نشان دادند که ناشناسی و تمایل به دیده‌شدن در فضای مجازی دو نیروی اصلی در ساخت هویت مجرمانه می‌باشند.

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری نظری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هویت مجرمانه‌ی مجازی در فضای سایبری ایران صرفاً یک رفتار انحرافی مقطعی یا واکنشی نیست، بلکه محصول فرایند جامعه‌پذیری ثانویه<sup>۱</sup> است؛ فرایندی که در آن فرد، در غیاب یا ضعف کنترل‌های اجتماعی سنتی، به سوی هنجارها، ارزش‌ها و کدهای رفتاری جدیدی سوق داده می‌شود که در محیط‌های سایبری شکل گرفته‌اند.

در بستر جامعه‌ی دیجیتال ایران، کاربران با تجربه‌ی ناامنی هویتی<sup>۲</sup>؛ اعم از تضاد نقش‌ها، محدودیت‌های ابراز خود واقعی، فشارهای فرهنگی یا شکاف میان خودِ ایدئال و خودِ اجتماعی، به سوی فضاهایی حرکت می‌کنند که «هویت جایگزین» ارائه می‌دهند. این فضاها نه فقط شبکه‌های آزاد، بلکه کانال‌ها، گروه‌ها و انجمن‌های بسته مجازی هستند که الگوهای متفاوتی از ارزش، قدرت و مشروعیت را تعریف و بازتولید می‌کنند.

در چنین محیط‌هایی، کاربر تحت تأثیر سه سازوکار کلیدی قرار می‌گیرد:

- تعامل مکرر با گروه‌های همگرا<sup>۳</sup> که باعث تثبیت هنجارهای انحرافی به‌عنوان معیار رفتار «عادی» می‌شود.
- ناشناسی و رهایی از نظارت اجتماعی سنتی که فشار هنجاری خانواده، مدرسه، دین و قانون را تضعیف می‌کند و کنشگر را قادر می‌سازد تا نقش‌های جدیدی را بدون هزینه اجتماعی تجربه کند.
- تقویت گروهی<sup>۴</sup> از طریق تشویق و تأیید مستمر رفتارهای مجرمانه، که هویت مجرمانه را از سطح کنش به سطح «خودپنداره» ارتقا می‌دهد.

بر این اساس، هویت مجرمانه‌ی مجازی نه یک انحراف لحظه‌ای، بلکه گونه‌ای بازاجتماعی‌شدن<sup>۵</sup> است؛ یعنی انتقال فرد از نظام هنجاری رسمی به نظامی بدیل که در آن جرم یا تخطی، نه تنها طرد نمی‌شود، بلکه بخشی از هنجار درونی‌شده است. چنین وضعیتی با نظریه‌ی برچسب‌زنی (Becker, 1963) هم‌خوان است؛ زیرا تجربه‌ی برچسب‌گذاری رسمی یا اجتماعی، فرد را به سوی گروه‌های جایگزین سوق می‌دهد که این برچسب را به‌عنوان «هویت معتبر» بازتعریف می‌کنند.

ناامنی هویتی در این فرایند نقش محرک دارد؛ فرد از طریق هویت مجازی مجرمانه، احساس کنترل، قدرت و انسجامی را تجربه می‌کند که در زندگی واقعی برای او دسترس‌پذیر نیست. این امر موجب می‌شود «خود انحرافی» به‌صورت تدریجی به بخشی از ساختار شخصیت دیجیتال فرد تبدیل شود.

---

1. secondary socialization  
 2. identity insecurity  
 3. homophily  
 4. group reinforcement  
 5. resocialization

در نهایت، داده‌های پژوهش نشان می‌دهند که شکل‌گیری هویت مجرمانه‌ی مجازی در ایران، بیش از آنکه ناشی از میل به نقض قانون باشد، بازتاب جابه‌جایی نظام‌های اجتماعی کنترل، معنا و هویت است؛ جابه‌جایی‌ای که فضای سایبری، با ساختار ناشناس، بدون سلسله‌مراتب و مبتنی بر تقویت گروهی، آن را تسریع می‌کند.

#### ۵-۱- تحلیل تطبیقی با نظریات کلاسیک

دورکیم و انومیک دیجیتال: فضای سایبری یک فضای انومیک خالص است. قوانین رسمی به‌دلیل مرز‌گشایی، تأثیرگذاری کمتری دارند و هنجارهای سنتی، مانند حیا و احترام، در این فضا به‌سرعت تضعیف می‌شوند. این تضعیف، افراد را به سمت رفتارهایی سوق می‌دهد که در چارچوب قوانین سخت‌گیرانه دنیای واقعی قابل تصور نبودند. بکر و برچسب‌زنی سایبری: اگرچه برچسب‌زنی سنتی، توسط پلیس یا جامعه، اهمیت دارد، اما در اینترنت، برچسب‌زنی توسط گروه‌های مرجع مجازی صورت می‌گیرد. فرد با پیوستن به گروه‌هایی که رفتارهای مجرمانه را هنجار می‌دانند، برچسب «مجرمیت سایبری» را به‌مثابه‌ی یک هویت کسب می‌کند و با اجرای آن، هویت خود را تثبیت می‌نماید.

گافمن و صحنه‌آرایی هویت‌های جایگزین: فضای دیجیتال بهترین محل برای «اجرای نمایشی» از هویتی است که فرد در دنیای واقعی از آن منع شده است. هویت مجرمانه‌ی مجازی، یک نقش فرعی اما بسیار جذاب است که فرد برای کسب تأیید اجتماعی، در آن محیط خاص، آن را ایفا می‌کند.

#### ۵-۲- ارائه الگوی ایرانی هویت مجرمانه مجازی

بر اساس یافته‌های کمی و کیفی، الگوی شکل‌گیری هویت مجرمانه‌ی مجازی در ایران را می‌توان به‌صورت یک فرایند سه‌مرحله‌ای در نظر گرفت:

مرحله ۱: نفوذ و مواجهه<sup>۱</sup>: فرد با حجم عظیمی از محتوا و تعاملات مواجه می‌شود که ساختارهای هنجاری سنتی او را به چالش می‌کشند. زمان طولانی حضور آنلاین، احساس شکاف هویتی (آفلاین در مقابل آنلاین) را تقویت می‌کند.

مرحله ۲: اکتساب و آزمایش<sup>۲</sup>: فرد با استفاده از ناشناسی، رفتارهای انحرافی خفیف را آزمایش می‌کند. این مرحله با تأیید یا تشویق گروهی (مضمون ۴) تقویت می‌شود و حس توانمندی مجازی<sup>۳</sup> را ایجاد می‌کند.

مرحله ۳: تثبیت و هویت‌یابی<sup>۴</sup>: رفتار انحرافی به بخشی از هویت مجازی فرد تبدیل می‌شود. او خود را به‌عنوان عضوی از جامعه‌ی سایبری با هنجارهای خاص، معمولاً ضد‌مؤسسات یا ضد‌هنجار، تعریف می‌کند. در این مرحله، فرد به‌صورت فعال به بازتولید این رفتار در برابر دیگران می‌پردازد.

#### ۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مواجهه‌ی صرفاً فنی یا کیفری با جرائم سایبری، بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی، هویتی و روان‌شناختی شکل‌گیری هویت مجرمانه‌ی مجازی، به‌طور ساختاری محکوم به شکست است. فضای سایبری ایران نه تنها محمل کنش‌های مجرمانه، بلکه بستری برای بازتولید و تثبیت هویت‌های انحرافی دیجیتال است؛ هویت‌هایی که در نتیجه‌ی ناامنی هویتی، شکاف‌های ارزشی و افول مکانیزم‌های سنتی کنترل اجتماعی شکل می‌گیرند.

1. exposure & anomie  
2. acquisition & experimentation  
3. empowerment  
4. stabilization & identification

- این پژوهش نشان داد که عوامل زیر در تداوم و تقویت هویت مجرمانه نقش اساسی دارند:
- آنومی دیجیتال: ضعف انسجام هنجاری و سردرگمی ارزشی در محیط‌های مجازی که مسیرهای انحرافی را قابل دسترس و مشروعیت‌پذیر می‌سازد.
  - جامعه‌پذیری ثانویه در گروه‌های بسته: حضور در کانال‌ها و انجمن‌های کوچک و همگرا که در آن‌ها جرم از انحراف به «هنجار» تبدیل می‌شود.
  - ناشناسی و رهایی از کنترل‌های اجتماعی رسمی: کاهش شرم، مسئولیت‌پذیری و نظارت اخلاقی.
  - نیازهای جبران‌نشده‌ی هویتی: تلاش برای کسب قدرت، دیده‌شدن، اعتبار گروهی یا بازآفرینی خود ممنوعه. بر این اساس، راهبردهای مقابله با جرائم سایبری در ایران، اگر تنها بر کنترل، فیلترینگ، مجازات یا رصد تکنیکی متمرکز باشند، صرفاً رفتار را محدود می‌کنند، نه هویت را. این الگو، به‌طور موقت، نرخ بروز جرم را کاهش می‌دهد، اما چرخه‌ی تولید هویت مجرمانه را مختل نمی‌کند و در بسیاری از موارد حتی آن را تشدید می‌کند.
  - نتایج نشان می‌دهند که فضای سایبری ایران نیازمند استراتژی‌های مبتنی بر تقویت انسجام اجتماعی، بازتعریف هویت دیجیتال مثبت و کاهش شکاف‌های هویتی است؛ استراتژی‌هایی که در آن:
    - سیستم آموزشی و رسانه‌ای، روایت‌های هویتی قوی و مشروع ارائه دهد،
    - سیاست‌گذاری دیجیتال، به‌جای حذف تعامل، زمینه‌ی مشارکت معنادار و گفت‌وگوی بین‌نسلی فراهم آورد،
    - الگوهای جایگزین برای «قدرت» دیده‌شدن و موفقیت در فضای مجازی تولید شود،
    - و در نهایت، نهادهای امنیتی و فرهنگی به‌جای نگاه صرفاً جرم‌شناختی، نگاه هویت‌محور<sup>۱</sup> را اتخاذ کنند.
  - به بیان دیگر، مبارزه‌ی مؤثر با جرائم سایبری تنها زمانی امکان‌پذیر است که ریشه‌های اجتماعی، هویتی و فرهنگی تولید جرم مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا تا زمانی که بحران هویت، ضعف اعتماد اجتماعی و شکاف‌های نسلی پابرجاست، فضای مجازی همچنان بستری برای بازتولید هویت‌های مجرمانه باقی خواهد ماند.

## ۱-۶- پیشنهادات سیاستی و فرهنگی

### ۱-۱-۶- تقویت هویت‌های مرجع مثبت در فضای مجازی

بر مبنای یافته‌های این پژوهش، یکی از مؤثرترین راهبردها برای مهار چرخه‌ی بازتولید هویت مجرمانه‌ی مجازی، توسعه و تقویت کنشگران و نفوذگران مثبت<sup>۲</sup> است؛ افرادی که قادرند هنجارهای سازنده، روایت‌های هویتی مشروع و الگوهای کنش اخلاقی را در برابر جریان‌های انحرافی و گروه‌های مرجع منفی در فضای سایبری بازنمایی و تقویت کنند.

در ساختار کنونی فضای آنلاین ایران، بخش قابل توجهی از کاربران، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، در جست‌وجوی هویت، معنا، دیده‌شدن و تعلق گروهی، به سمت مرجعیت‌های غیررسمی و بعضاً انحرافی سوق داده می‌شوند. این مرجعیت‌ها، که گاه در قالب کانال‌های کوچک، گروه‌های پنهان یا صفحات پرمخاطب ظاهر می‌شوند، به‌واسطه‌ی جذابیت‌های نمایشی، انتقادی و قدرت نمادین خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی ترجیحات هویتی و هنجاری مخاطبان دارند.

بر اساس نظریه‌ی گروه‌های مرجع<sup>۳</sup>، کاربران نه صرفاً از هنجارها تأثیر می‌پذیرند، بلکه از کسانی که هنجارها را نمایندگی می‌کنند تأثیر می‌گیرند. وقتی این نمایندگان غالباً منفی باشند، مسیرهای هویتی نیز به سمت انحراف تمایل

1. identity-centered governance  
2. positive digital influencers  
3. reference group theory

پیدا می‌کنند. از این‌رو، لازم است سیاست‌گذاری سایبری ایران از مدل «کنترل و حذف مرجعیت‌های منفی» به سمت ساخت و تقویت مرجعیت‌های مثبت حرکت کند؛ مرجعیت‌هایی که بتوانند:

- روایت‌های جذاب، معتبر و قابل درک برای نسل Z و نسل آلفا تولید کنند،
  - هنجارهای سازنده را به زبان فراغیلی، کوتاه، چندرسانه‌ای و اجتماعی شده بازنمایی کنند،
  - اعتماد روانی و هویتی کاربران را جلب کنند،
  - برابری نمادین با مرجعیت‌های انحرافی ایجاد کنند،
  - ارزش‌ها، مسئولیت‌پذیری، اخلاق دیجیتال و سواد رسانه‌ای را بدون لحن رسمی و قیم‌مآبانه ترویج کنند.
- سرمایه‌گذاری بر نفوذگران مثبت، در واقع تولید «گروه‌های مرجع جایگزین» است. این امر نه فقط هنجارهای انحرافی را تضعیف می‌کند، بلکه ساختارهای هویتی سالم و مشروع را تقویت می‌سازد؛ زیرا کاربران فضای مجازی تمایل دارند ارزش‌ها، سبک زندگی و الگوهای کنش خود را از افرادی کسب کنند که قدرت نمایشی، جذابیت ارتباطی و هویت دیجیتال معتبر دارند.
- از منظر جامعه‌شناختی، این راهبرد مکمل نظریه‌های یادگیری اجتماعی (Akers, 1998) و نمایشگری دیجیتال (Marwick, 2013) است؛ زیرا کنشگران مثبت می‌توانند از همان سازوکارهایی بهره‌برداری کنند که کنشگران منفی برای جذب و تثبیت مخاطب استفاده می‌کنند، اما این بار در جهت بازسازی فرهنگی، ارتقای امنیت روانی و تقویت انسجام هنجاری.

به این ترتیب، سیاست‌گذاری مبتنی بر تقویت نفوذگران مثبت، یک رویکرد بلندمدت برای کاهش انحرافات دیجیتال، پیشگیری از جرائم سایبری و ایجاد «تعادل هنجاری» در میدان رقابتی فضای مجازی ایران محسوب می‌شود.

#### ۶-۱-۲- برنامه‌های سواد رسانه‌ای مبتنی بر مسئولیت‌پذیری

بر مبنای تحلیل جامعه‌شناختی این پژوهش، آموزش‌های موجود در حوزه‌ی سواد رسانه‌ای در ایران عمدتاً در سطح «دانش فنی» و «امنیت فردی» باقی مانده‌اند؛ یعنی تمرکز آن‌ها بر شناخت بدافزار، حفظ محرمانگی داده و پیشگیری از کلاهبرداری‌های آنلاین است.

گرچه این ابعاد ضروری‌اند، اما کافی نیستند؛ زیرا مسئله‌ی اصلی در ساختار جامعه‌ی دیجیتال امروز نه فقدان دانش فنی، بلکه ضعف درونی‌سازی اخلاق دیجیتال و فقدان درک هنجاری از پیامدهای کنش آنلاین است.

در فضای سایبری، کنش‌های افراد، از انتشار محتوا تا تعامل گروهی، به شکل مستقیم بر ساختار هویتی و سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر می‌گذارند. در چنین شرایطی، آموزش سواد رسانه‌ای باید از «حوزه‌ی مهارت فنی» به «حوزه‌ی اخلاق و هویت اجتماعی» گسترش یابد؛ بدین معنا که کاربران نه تنها یاد بگیرند چگونه در فضای مجازی امن بمانند، بلکه بفهمند چگونه خود اجتماعی و انسجام اخلاقی جامعه را در رفتارهای روزمره‌ی آنلاین حفظ کنند.

این رویکرد نوعی مقابله فعال با آنومی دورکیمی<sup>۱</sup> است؛ وضعیتی که در آن فروپاشی قواعد هنجاری، فقدان معنا و ضعف پیوندهای اخلاقی موجب بروز رفتارهای انحرافی، خشونت کلامی یا جرم در محیط‌های مجازی می‌شود. راه‌حل این وضعیت، ایجاد سازوکاری است که در آن آموزش سواد رسانه‌ای به‌عنوان منبع بازتولید نظم اخلاقی دیجیتال عمل کند.

ساختار پیشنهادی آموزش سواد رسانه‌ای در این چارچوب باید شامل سه محور کلیدی باشد:

۱. محور اخلاق دیجیتال<sup>۱</sup>: آموزش اصول احترام، مسئولیت‌پذیری، صداقت و حفظ کرامت انسان در فضای مجازی.
  ۲. محور پیامدهای هویتی<sup>۲</sup>: تبیین تأثیر رفتارهای آنلاین بر شکل‌گیری و تثبیت هویت فردی، اجتماعی و حتی ملی کاربران.
  ۳. محور انسجام اجتماعی دیجیتال<sup>۳</sup>: تقویت حس تعلق، همدلی و اعتماد اجتماعی در میان کنشگران فضای مجازی از طریق پروژه‌های جمعی، روایت‌های هویتی و گفت‌وگوی بین‌نسلی.
- این چارچوب موجب می‌شود سواد رسانه‌ای از سطح واکنش فنی به سطح بازتولید فرهنگی و اخلاقی ارتقا یابد و به ابزاری برای پیشگیری از آنومی دیجیتال، تقویت نظم اخلاقی و شکل‌گیری هویت‌های دیجیتال سالم تبدیل گردد. به بیان دیگر، آموزش سواد رسانه‌ای در سیاست‌گذاری اجتماعی باید از هدف حفظ «امنیت اطلاعاتی»، به هدف حفظ انسجام اخلاقی و هویتی جامعه تغییر مسیر دهد.

### ۳-۱-۶- اصلاح رویکرد پلیس فتا

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مأموریت پلیس فتا در ایران باید از سطح «مقابله با جرم» به سطحی عمیق‌تر و ساختاری‌تر یعنی مداخله در چرخه تولید و تثبیت هویت‌های مجرمانه در فضای سایبری ارتقا یابد. در مدل‌های سنتی، پلیس با رفتار مجرمانه مواجه می‌شود اما در فضای دیجیتال معاصر، رفتار مجرمانه اغلب محصول نهایی یک زنجیره‌ی طولانی از یادگیری، پیوند گروهی، تقویت جمعی و تثبیت نقش مجرمانه است که در محیط‌های بسته و ناشناس بازتولید می‌شود.

از این منظر، پلیس فتا باید ساختار مأموریتی خود را از «پلیس کیفری» صرف، که تمرکز آن بر کشف جرم، تعقیب مجرم و تشکیل پرونده است، به نهاد کنترل اجتماعی دیجیتال تغییر دهد؛ نهادی که کنش آن نه فقط واکنشی و پسینی، بلکه پیشگیرانه، هویتی و مبتنی بر مداخله در حلقه‌های تولید انحراف باشد.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سه حلقه‌ی اصلی در چرخه‌ی شکل‌گیری هویت مجرمانه وجود دارد که مداخله در آن‌ها بسیار مؤثرتر از مداخله در مرحله‌ی ارتکاب جرم است:

۱. مرحله جذب اولیه<sup>۴</sup>: مواجهه‌ی فرد با گروه‌های بسته، کانال‌ها، صفحات یا هنجارهای انحرافی که جذابیت نمایشی و هویتی دارند.

۲. مرحله تثبیت هویت<sup>۵</sup>: زمانی که فرد از یک «کاربر کنشگر» به یک «کنشگر هنجاری» در گروه تبدیل می‌شود و نقش مجرمانه را بخشی از خود پنداره دیجیتال خود تعریف می‌کند.

۳. مرحله بازتولید جمعی<sup>۶</sup>: جایی که گروه با تشویق، تأیید و تقدیر، هویت مجرمانه را به یک هنجار درونی شده تبدیل می‌کند.

این پژوهش تأکید می‌کند که مداخلات پلیس فتا باید در مرحله‌ی تثبیت هویت انجام شود، یعنی پیش از آنکه فرد به نقطه‌ی غیرقابل‌بازگشت «نقش مجرمانه‌ی تثبیت‌شده» برسد. در این مرحله، افراد هنوز در وضعیت «هویت سیال دیجیتال» هستند و قابلیت بازگشت، تغییر هنجاری و خروج از چرخه‌ی پیوند گروهی بسیار بیشتر هستند.

---

1. digital ethics  
 2. identity consequences  
 3. cyber-cohesion  
 4. initial attraction  
 5. identity consolidation  
 6. collective reinforcement

چنین رویکردی کاملاً با نظریه‌ی یادگیری اجتماعی آکرز، نظریه‌ی برچسب‌زنی بکر و نظریه‌ی موقعیت‌نمایشی گافمن منطبق است؛ به این معنا که جرم نه صرفاً یک رفتار، بلکه یک فرایند یادگیری و درونی‌سازی است، بنابراین باید در فرایند مداخله شود نه فقط در پیامد.

در این مدل، پلیس فتا به جای تمرکز انحصاری بر

«متهم → جرم → تعقیب»،

به الگوی جدیدی منتقل می‌شود:

«کاربر → نقش → هویت → گروه → جرم».

این انتقال، پلیس فتا را به نهاد کنترل اجتماعی تبدیل می‌کند؛ نهادی که می‌تواند با ردیابی مسیرهای هویتی، شناسایی حلقه‌های یادگیری جرم، مداخلات حمایتی، آموزشی، هویتی و روان‌اجتماعی و مشارکت در تولید هنجارهای مثبت، چرخه‌ی انحراف دیجیتال را پیش از وقوع جرم مختل کند. به بیان دیگر، پلیس فتا در مدل جدید، «مدیریت هویت» می‌کند نه صرفاً «مدیریت جرم»؛ و همین نقطه‌ای است که می‌تواند رویکردهای امنیتی را با رویکردهای جامعه‌شناختی ادغام کند.

#### ۶-۱-۴- کاهش احساس بی‌هویتی

بر اساس یافته‌های این پژوهش، بی‌هویتی مجازی<sup>۱</sup> یکی از بنیادی‌ترین محرک‌های گرایش کاربران، به‌ویژه جوانان، به سمت هویت‌های جایگزین، نقش‌های نمایشی و حتی هویت‌های مجرمانه در فضای سایبری است. هنگامی که ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جهان واقعی نتوانند مسیرهای معتبر، پایدار و دسترس‌پذیر برای هویت‌یابی فراهم کنند، فضای مجازی به «پناهگاه هویتی» تبدیل می‌شود؛ پناهگاهی که در آن فرد می‌تواند جایگاه، دیده‌شدن، قدرت نمادین و معنا را با هزینه‌ی بسیار کمتر و سرعت بیشتر تجربه کند.

این پژوهش نشان می‌دهد که فاصله‌ی هویتی میان واقعیت و سایبر یعنی شکاف میان آنچه فرد در زندگی روزمره امکان بودنش را ندارد و آنچه در فضای مجازی می‌تواند باشد، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند شکل‌گیری هویت مجرمانه و اجرای نقش‌های انحرافی دارد.

در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری کلان اجتماعی در ایران باید از سطح واکنش‌های امنیتی و کیفری عبور کرده و بر بازسازی زیرساخت‌های هویت‌یابی واقعی متمرکز شود. این امر شامل موارد زیر است:

- فراهم کردن فرصت‌های شغلی پایدار و مسیرهای شغلی روشن برای جوانان،
- ایجاد فضاهای مشارکت اجتماعی، فرهنگی و مدنی که امکان «دیده‌شدن مشروع» را ارائه دهند،
- تقویت عدالت توزیعی، شایسته‌سالاری و تحرک اجتماعی،
- بازآفرینی نظام آموزشی برای تقویت هویت حرفه‌ای و مهارت‌محور،
- توسعه‌ی ساختارهای حمایتی برای گذار موفق از نوجوانی به بزرگسالی،
- تولید روایت‌های هویتی ملی مدرن و در عین حال مشروع و قابل قبول برای نسل Z و نسل آلفا.

از منظر جامعه‌شناسی، هرچه امکان هویت‌یابی واقعی بیشتر، روشن‌تر و قابل دستیابی‌تر باشد، جاذبه‌ی هویت‌های جایگزین سایبری، اعم از هویت‌های نمایشی، ساختگی یا حتی مجرمانه، کاهش می‌یابد. این با نظریه‌های آنومی (Durkheim; Merton)، جامعه‌پذیری (Luckmann & Berger) و هویت‌های نمایشی دیجیتال (Marwick) کاملاً هم‌خوان است.

به بیان دیگر، وقتی جامعه فرصت‌های کافی برای تجربه‌ی «قدرت، معنا، نقش و آینده» در جهان واقعی را ایجاد کند، نیاز روانی به فرار هویتی تضعیف می‌شود و چرخه‌ی تولید هویت‌های انحرافی دیجیتال کاهش می‌یابد. بر این اساس، راهبردهای کلان برای مقابله با انحرافات دیجیتال باید به‌جای تمرکز صرف بر پیامدها، بر ریشه‌های ساختاری بی‌هویتی تمرکز کنند. این رویکرد، همان چیزی است که در ادبیات بین‌المللی با عنوان Identity-Centered Social Policy شناخته می‌شود؛ یعنی سیاست‌گذاری که بازتولید هویت سالم را محور امنیت اجتماعی و فرهنگی می‌داند.

## ۶-۲- محدودیت‌ها و تحقیقات آتی

محدودیت اصلی این پژوهش اتکای نسبی به گزارش خوداظهاری کاربران در مورد رفتارهای انحرافی است. تحقیقات آتی می‌تواند با استفاده از روش‌های تجربی‌تر، مانند تحلیل شبکه‌های اجتماعی (SNA) برای ردیابی ساختار گروه‌های انحرافی، به تعمیق این یافته‌ها کمک کند و همچنین به بررسی تأثیر ساختارهای سیاسی و اقتصادی ایران بر شکل‌گیری این هویت‌ها پردازد.

## منابع

- پژوهش، حسین، و همکاران. (۱۴۰۳). انحراف دیجیتال و کنترل اجتماعی مدرن؛ مطالعه‌ای تطبیقی. *فصلنامه علوم اجتماعی ایران*، ۲۸(۲)، ۱۴۵-۱۶۹.
- دادفرا، مهدی. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی اجتماعی فضای مجازی در ایران. *پژوهشنامه آسیب‌های اجتماعی ایران*، ۱۲(۳)، ۷۷-۱۰۲.
- سپهران، کیان، و ابراهیمی، سارا. (۱۴۰۳). تعامل فقر فرهنگی و بزهکاری دیجیتال در میان دانشجویان تهرانی. *فصلنامه جامعه‌شناسی ایران*، ۳۷(۱)، ۸۹-۱۲۰.
- صالحی، نسترن. (۱۴۰۱). نقش پلیس فتا در پیشگیری از جرم‌های سایبری. *مجله پژوهش‌های انتظامی ایران*، ۱۹(۴)، ۵۱-۶۴.
- فاضلی، محمدرضا. (۱۴۰۲). *جامعه‌شناسی سایبری و شکل‌گیری هویت مجرمانه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرکز ملی فضای مجازی ایران. (۱۴۰۴). *گزارش سالانه رفتارهای پرخطر کاربران ایرانی فضای مجازی*. تهران: دفتر پژوهش و سیاست‌گذاری فضای مجازی.
- نادی، امیر. (۱۴۰۲). *جامعه‌شناسی کنترل اجتماعی و فضای مجازی*. قم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Akers, R. L., & Sellers, C. S. (2013). *Criminological theories: Introduction, evaluation, and application*. New York: Oxford University Press.
- Becker, H. S. (1963). *Outsiders: Studies in the sociology of deviance*. New York: Free Press.
- Brewer, R., & Harris, Y. (2020). *Digital sociology: Critical perspectives*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Castells, M. (1996). *The rise of the network society*. Oxford: Blackwell.
- Durkheim, E. (1897). *Suicide: A study in sociology*. London: Routledge.
- Goffman, E. (1959). *The presentation of self in everyday life*. New York: Anchor Books.
- Holt, T. J. (2018). *Cybercrime and digital deviance*. London: Routledge.
- Holt, T. J., & Bossler, A. M. (2016). *Cybercrime through an interdisciplinary lens*. New York: Routledge.
- Jewkes, Y., & Sharp, K. (2018). *Crime, media and cybersecurity*. London: Routledge.
- Joinson, A. N. (2008). Looking at, looking up or keeping up with people? Motives and use of Facebook. *Computers in Human Behavior*, 24(5), 1624-1653.

Wall, D. S. (2007). *Cybercrime: The transformation of crime in the information age*. Cambridge: Polity Press.

Yar, M. (2012). *Cybercrime and society*. London: Sage Publications.

**استناد به این مقاله:** رحیمی، حسام‌الدین. (۱۴۰۵). جامعه‌شناسی انحرافات دیجیتال؛ بررسی شکل‌گیری «هویت مجرمانه مجازی» در فضای سایبری ایران. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۶(۱)، ۴۰-۵۹.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.